

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

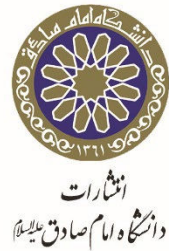
﴿تقدیم به همسر و فرزندان عزیزم﴾

پژوهش پدیدارشناختی؛

کاربرد آن در مشاوره و روان شناسی

دکتر خدیجه ابوالمعالی الحسینی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال



عنوان: پژوهش پدیدارشناختی؛ کاربرد آن در مشاوره و روان‌شناسی

مؤلف: دکتر خدیجه ابوالمعالی الحسینی

تهیه شده: در دفتر نشر آثار علمی حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، پردیس خواهران

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

صفحه‌آرا: محمد روشنی

طراح جلد: اعظم حسین‌زاده

نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌برداری و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان

چاپ اول: ۱۴۰۲

قیمت: ۲/۳۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۹-۹۸-۰

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲
تلفن: ۶۶۹۵۴۶۰۳ - تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱
فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه
صندوق پستی ۱۵۹-۰۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: <https://press.isu.ac.ir> • E-mail: pub@isu.ac.ir

سرشناسه: ابوالمعالی الحسینی، خدیجه، ۱۳۴۴-
عنوان و نام پدیدآور: پژوهش پدیدارشناختی؛ کاربرد آن در مشاوره و روان‌شناسی /
تألیف خدیجه ابوالمعالی الحسینی.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۴۱۳ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۹-۹۸-۰
موضوع: پدیده‌شناسی
موضوع: روان‌شناسی پدیده‌شناسی
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)
رده‌بندی کنگره: B ۸۲۹/۵
رده‌بندی دیویی: ۱۴۲/۷
شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۱۲۵۵۰

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست اجمالی

سخن ناشر	۲۱
پیشگفتار	۲۳
بخش اول: فلسفه پدیدارشناختی و ورود آن به روان‌شناسی و مشاوره	۳۱
فصل ۱: فلسفه پدیدارشناختی	۳۷
فصل ۲: کاربرد پدیدارشناسی در روان‌شناسی و مشاوره	۹۷
بخش دوم: کاربرد پدیدارشناسی توصیفی و تفسیری	۱۲۳
فصل ۳: از فلسفه پدیدارشناختی توصیفی تا پژوهش پدیدارشناختی توصیفی	۱۲۷
فصل ۴: از فلسفه پدیدارشناختی تفسیری تا پژوهش پدیدارشناختی تفسیری	۱۴۷
بخش سوم: هدایت پژوهش پدیدارشناختی	۱۶۷
فصل ۵: روش شناختی پژوهش پدیدارشناختی	۱۶۹
فصل ۶: ملاحظات اخلاقی در پژوهش پدیدارشناختی	۲۰۵
فصل ۷: تحلیل داده‌ها در پژوهش پدیدارشناختی توصیفی	۲۲۳
فصل ۸: تحلیل داده‌ها در پژوهش پدیدارشناسی تفسیری	۲۹۵
کتابنامه	۳۷۳
نمایه	۳۹۳

فهرست تفصیلی

سخن ناشر	۲۱
پیشگفتار	۲۳
بخش اول: فلسفه پدیدارشناختی و ورود آن به روان‌شناسی و مشاوره	۳۱
مقدمه	۳۱
فصل ۱: فلسفه پدیدارشناختی	۳۷
اهداف فصل	۳۷
مقدمه	۳۷
۱. پدیدارشناسی ادموند هوسرل	۳۸
۱-۱. معرفت‌شناختی هوسرل	۴۱
۱-۲. کار پدیدارشناس از دیدگاه هوسرل	۴۱
۱-۳. تجربه زیسته از دیدگاه هوسرل	۴۳
۱-۴. آگاهی از دیدگاه هوسرل	۴۴
۱-۴-۱. آگاهی عمدی و معطوف به هدف است	۴۵
۱-۴-۲. آگاهی اساساً غیرحسی است	۴۶
۱-۵. وجه التفاتی آگاهی دیدگاه هوسرل	۴۷
۱-۶. مفهوم فروکاست (تقلیل) پدیدارشناختی از دیدگاه هوسرل	۴۹
۱-۶-۱. مراحل فروکاست پدیدارشناختی	۵۱
الف. مرحله استعلایی (استعلا از نگرش طبیعی)	۵۲
ب. مرحله فروکاست پدیدارشناختی استعلایی	۵۳

۵۴	پ. مرحله فروکاست از طریق تغییر تخیلی آزاد
۵۷	۲. پدیدارشناسی هایدگر
۵۹	۲-۱. هستی‌شناختی هایدگر
۶۲	۲-۲. تجربه زیسته از دیدگاه هایدگر
۶۳	۲-۳. دور هرمنوتیک از دیدگاه هایدگر
۶۶	۳. پدیدارشناسی گادامر
۶۷	۳-۱. هستی‌شناختی فهم از دید گادامر
۶۸	۳-۱-۱. نقش زمانمندی در درک و فهم
۶۹	۳-۱-۲. نقش زبان در درک و فهم
۶۹	۳-۱-۳. نقش پیش‌دآوری در درک و فهم
۷۰	۳-۱-۴. نقش گفتگوی دوجانبه در درک و فهم
۷۲	۴. پدیدارشناسی موریس مرلوپونتی
۷۳	۴-۱. پدیدارشناسی وجودی
۷۵	۴-۲. پدیدارشناسی وجودی و ادراک مرلوپونتی
۷۸	۴-۳. اقسام وجودگرایی از دیدگاه مرلوپونتی
۷۸	۴-۳-۱. فضای زیسته
۷۹	۴-۳-۲. بدن زیسته
۸۳	۴-۳-۳. زمان زیسته
۸۴	۴-۳-۴. روابط انسانی زیسته
۸۶	۴-۴. فروکاست از دیدگاه مرلوپونتی
۸۷	۴-۵. مفهوم وجه التفاتی آگاهی از دیدگاه مرلوپونتی
	۴-۶. مقایسه پدیدارشناسی توصیفی هوسرل و پدیدارشناسی هرمنوتیکی
۸۸	هایدگر و گادامر
۹۴	خلاصه فصل
۹۶	پرسش‌هایی برای تفکر
۹۶	کتابنامه برای مطالعه بیشتر

فصل ۲: کاربرد پدیدارشناسی در روان‌شناسی و مشاوره.....	۹۷
اهداف فصل.....	۹۷
مقدمه.....	۹۷
۱. تاریخچه ورود پدیدارشناسی به روان‌شناسی.....	۱۰۰
۲. پدیدارشناسی در روان‌شناسی شخصیت.....	۱۰۳
۳. پدیدارشناسی در روان‌شناسی تربیتی.....	۱۰۴
۴. پدیدارشناسی در روان‌شناسی سلامت.....	۱۰۷
۵. کاربرد پدیدارشناسی در ارزیابی‌های بالینی.....	۱۱۰
۶. کاربرد پدیدارشناسی در درمان‌های روان‌شناختی.....	۱۱۰
۶-۱. کاربرد پدیدارشناسی در معنادرمانی.....	۱۱۱
۶-۲. درمان مراجع‌محور.....	۱۱۲
۶-۳. درمان ذهن‌آگاهی.....	۱۱۵
۶-۴. گشتالت‌درمانی.....	۱۱۵
۷. کاربرد پدیدارشناسی در روان‌شناسی صنعتی، کار و سازمانی.....	۱۱۶
۸. پدیدارشناسی در مشاوره.....	۱۱۸
خلاصه فصل.....	۱۲۰
پرسش‌هایی برای تفکر.....	۱۲۱
کتابنامه برای مطالعه بیشتر.....	۱۲۱
بخش دوم: کاربرد پدیدارشناسی توصیفی و تفسیری.....	۱۲۳
مقدمه.....	۱۲۳
فصل ۳: از فلسفه پدیدارشناختی توصیفی تا پژوهش پدیدارشناختی توصیفی.....	۱۲۷
اهداف فصل.....	۱۲۷
مقدمه.....	۱۲۷
۱. مقایسه فلسفه و پژوهش پدیدارشناختی توصیفی.....	۱۲۹
۱-۱. تفاوت توصیف پدیده مورد مطالعه در فلسفه و پژوهش پدیدارشناختی... ..	۱۳۰
۱-۲. تفاوت نگرش استعلایی فلسفی و فروکاست علمی روان‌شناسی.....	۱۳۰

- ۱-۲-۱. نگرش استعلایی فلسفی در مقابل فروکاست علمی روان‌شناختی. ۱۳۱
- ۱-۲-۲. تأمل خالص فلسفی در مقابل تأمل در پژوهش پدیدارشناختی. ۱۳۲
- ۱-۲-۳. تفاوت تحلیل‌های فلسفی با تحلیل‌های روان‌شناختی در پدیدارشناسی. ۱۳۲
- ۱-۳. دستیابی به ذات جهانی در مقابل دستیابی به ذات نوعی از طریق تغییر تخیلی آزاد. ۱۳۴
۲. مفهوم تجربه در پژوهش پدیدارشناختی. ۱۳۷
- ۲-۱. دوگانگی ایدئالیسم (آرمان‌گرایی) - رئالیسم (واقع‌گرایی). ۱۳۸
- ۲-۲. عمل تجربه و هدف تجربه. ۱۳۹
- ۲-۲-۱. عمل تجربه (نوسیس). ۱۳۹
- ۲-۲-۲. هدف عمل (نوما). ۱۴۰
- ۲-۲-۳. رابطه عمل تجربه و هدف عمل (تجربه). ۱۴۱
- ۲-۳. بافت و ساختار تجربه. ۱۴۳
- خلاصه فصل. ۱۴۴
- پرسش‌هایی برای تفکر. ۱۴۵
- کتابنامه برای مطالعه بیشتر. ۱۴۵
- فصل ۴: از فلسفه پدیدارشناختی تفسیری تا پژوهش پدیدارشناختی تفسیری. ۱۴۷**
- اهداف فصل. ۱۴۷
- مقدمه. ۱۴۷
۱. تاریخچه تحلیل پدیدارشناختی تفسیری در روان‌شناسی. ۱۴۹
۲. هستی‌شناختی تحلیل پدیدارشناختی تفسیری و جایگاه آن. ۱۵۰
۳. پایه‌های نظری تحلیل پدیدارشناختی تفسیری و تبیین چهارچوب معرفت‌شناختی و روش‌شناختی آن. ۱۵۲
- ۳-۱. حوزه‌های پدیدارشناسی. ۱۵۳
- ۳-۲. حوزه هرمنوتیک. ۱۵۳
- ۳-۲-۱. درک تجارب مشارکت‌کنندگان در فرایند هرمنوتیک دوگانه. ۱۵۵

۱۵۸	۳-۳. حوزه فردگرایی
۱۶۳	۳-۴. کاهش پدیدارشناختی در پدیدارشناسی تفسیری
۱۶۵	خلاصه فصل
۱۶۶	پرسش‌هایی برای تفکر
۱۶۶	کتابنامه برای مطالعه بیشتر
۱۶۷	بخش سوم: هدایت پژوهش پدیدارشناختی
۱۶۷	مقدمه
۱۶۹	فصل ۵: روش شناختی پژوهش پدیدارشناختی
۱۶۹	اهداف فصل
۱۶۹	مقدمه
۱۷۰	۱. مطالعه تجربه زیسته در پژوهش‌های پدیدارشناختی
۱۷۲	۲. هدایت پژوهش پدیدارشناختی
۱۷۲	۲-۱. اصول روش شناختی
۱۷۴	۲-۲. اهمیت پژوهش پدیدارشناختی
۱۷۴	۲-۳. آغاز پژوهش پدیدارشناختی: جهت‌گیری نسبت به پدیده
۱۷۶	۲-۴. نقش پژوهشگر در پژوهش پدیدارشناختی
۱۷۸	۲-۵. هدف پژوهش پدیدارشناختی
۱۷۹	۲-۶. پرسش‌های پژوهش پدیدارشناختی
۱۸۱	۲-۷. ادبیات پژوهش در پدیدارشناسی
۱۸۲	۲-۸. مشارکت‌کنندگان در پژوهش و چگونگی انتخاب آنان
۱۸۶	۲-۹. اندازه نمونه در پژوهش‌های پدیدارشناختی
۱۸۷	۲-۱۰. ابزار گردآوری داده‌ها در پدیدارشناسی
۱۹۲	۲-۱۰-۱. چه پرسش‌هایی برای پژوهش پدیدارشناختی مناسب است؟
۱۹۳	۲-۱۱. ارزیابی پژوهش پدیدارشناختی
۱۹۴	۲-۱۱-۱. بررسی روایی درونی و صحت داده‌ها
۱۹۴	۲-۱۱-۲. کفایت توصیف

۱۹۵.....	۳-۱۱-۲. اعتمادپذیری
۱۹۶.....	۴-۱۱-۲. واریسی اعضا
۱۹۷.....	۵-۱۱-۲. انتقال‌پذیری
۱۹۹.....	۱۲-۲. تحلیل داده‌های پژوهش پدیدارشناختی
۲۰۰.....	۱۳-۲. گزارش یافته‌های پژوهش پدیدارشناختی
۲۰۱.....	خلاصه فصل
۲۰۳.....	پرسش‌هایی برای تفکر
۲۰۳.....	کتابنامه برای مطالعه بیشتر
۲۰۵.....	فصل ۶: ملاحظات اخلاقی در پژوهش پدیدارشناختی
۲۰۵.....	اهداف فصل
۲۰۵.....	مقدمه
۲۰۶.....	۱. موضوعات اخلاقی در پژوهش کیفی
۲۰۷.....	۱-۱. رضایت آگاهانه و مشارکت داوطلبانه
۲۰۸.....	۱-۱-۱. روند کسب رضایت آگاهانه
۲۱۱.....	۱-۲. رعایت بی‌نامی و محفوظ نگه داشتن هویت مشارکت‌کنندگان
۲۱۳.....	۱-۳. پیامدها
۲۱۵.....	۱-۴. تعهدات پژوهشگر
۲۱۶.....	۲. دریافت کد یا تأییدیه اخلاقی
۲۱۷.....	۳. موضوعات اخلاقی در پژوهش پدیدارشناختی
۲۲۱.....	خلاصه فصل
۲۲۲.....	پرسش‌هایی برای تفکر
۲۲۲.....	کتابنامه برای مطالعه بیشتر
۲۲۳.....	فصل ۷: تحلیل داده‌ها در پژوهش پدیدارشناختی توصیفی
۲۲۳.....	اهداف فصل
۲۲۳.....	مقدمه
۲۲۴.....	۱. چهارچوب‌های تحلیل داده‌های پدیدارشناختی توصیفی

۲۲۶	۲. رویه کلایزی
۲۲۷	۲-۱. آشنا شدن
۲۲۷	۲-۲. شناسایی یا استخراج جمله‌های مهم
۲۲۸	۲-۳. تدوین و فرموله کردن معانی
۲۲۸	۲-۴. خوشه‌بندی مضامین (مفاهیم مشترک در دسته‌های خاص)
۲۲۸	۲-۵. ایجاد توصیف جامع با تلفیق نتایج
۲۲۹	۲-۶. ایجاد ساختار اساسی
۲۲۹	۲-۷. جست‌وجوی روایی ساختار اساسی
۲۳۵	۳. رویه ون‌کام
۲۳۷	۳-۱. گام نخست: دستیابی به توصیف کلی اولیه
۲۳۷	۳-۲. گام دوم: تمایز عناصر ساختاری (گروه‌بندی اولیه)
۲۳۸	۳-۳. گام سوم: حذف عبارات تکراری (کاهش)
۲۳۸	۳-۴. گام چهارم: رابطه موقت عناصر ساختاری
۲۳۹	۳-۵. گام پنجم: فهرست کردن عبارات (توضیح)
۲۳۹	۳-۶. گام ششم: فرایند تأمل روش‌شناختی
۲۳۹	۳-۷. گام هفتم: تعیین عناصر بالقوه ساختار یکپارچه
۲۳۹	۳-۸. گام هشتم: مشارکت در تأمل موقعیتی روان-پدیدارشناختی
۲۴۰	۳-۹. گام نهم: ترجمه به فرازبان علم (شناسایی نظری)
۲۴۰	۳-۱۰. گام دهم: تعیین وفاداری (کاربرد)
۲۴۰	۳-۱۱. گام یازدهم: ایجاد پارادایمی از تجربه (شناسایی نهایی)
۲۴۰	۳-۱۲. گام دوازدهم: بیان محدودیت‌ها
۲۴۰	۴. رویه موستاکس
۲۴۳	۴-۱. افق‌سازی
۲۴۴	۴-۲. کاهش تجارب به اجزای نامتغیر
۲۴۴	۴-۳. خوشه‌بندی متنی برای خلق مضامین هسته‌ای
۲۴۴	۴-۴. مقایسه منابع داده‌های چندگانه برای رواسازی اجزای نامتغیر

- ۴-۵. ساخت توصیف‌های متنی از مشارکت‌کنندگان ۲۴۴
- ۴-۶. نتیجه‌گیری از توصیف‌های متنی فردی ۲۴۵
- ۴-۷. ساخت توصیف‌های ساختاری ترکیبی ۲۴۵
- ۴-۸. سنتز (ترکیب) توصیف ساختاری و متنی در عبارت (توصیف ترکیبی) ۲۴۶
۵. رویه تحلیل مضمون توصیفی ساندلر و همکاران ۲۴۶
- ۵-۱. آشنایی با داده‌ها از طریق خواندن با ذهنی گشوده ۲۴۸
- ۵-۲. جست‌وجوی معانی و مضامین ۲۴۸
- ۵-۳. سازمان‌دهی مضامین در یک کل معنادار ۲۴۸
۶. رویه جیورجی ۲۴۹
- ۶-۱. ویژگی‌های تحلیل داده‌ها در روش جیورجی ۲۵۰
- ۶-۱-۱. توصیف دقیق ۲۵۰
- ۶-۱-۲. فروکاست ۲۵۱
- ۶-۱-۳. شناخت ذات یا جوهر پدیده ۲۵۱
- ۶-۱-۴. جهت‌مند بودن هوشیاری ۲۵۱
- ۶-۲. مراحل تحلیل پدیدارشناختی توصیفی جیورجی ۲۵۲
- ۶-۲-۱. مرحله نخست: مطالعه کلی توصیف (آشناسدن/خواندن برای درک معنای کلی) ۲۵۵
- ۶-۲-۲. مرحله دوم: تعیین واحدهای معنایی ۲۶۲
- ۶-۲-۳. مرحله سوم: تبدیل واحدهای معنایی به زبان علمی برای دستیابی به مضامین مرکزی ۲۶۹
- ۶-۲-۴. مرحله چهارم: تعیین ساختار یا ماهیت پدیده از طریق تحلیل ترکیبی ۲۷۲
۷. روش پدیدارشناسی اشیپگلبرگ ۲۸۰
- ۷-۱. بررسی پدیده‌های خاص ۲۸۳
- الف. درک شهودی پدیده‌ها (شهود پدیدارشناسانه) ۲۸۳
- ب. بررسی‌های تحلیلی ۲۸۴

۲۸۴	پ. توصیف پدیدارشناختی
۲۸۴	۷-۲. بررسی جوهرهای کلی پدیده
۲۸۵	۷-۳. درک روابط اساسی میان جوهرها
۲۸۷	۷-۴. تماشای حالت‌های پدیدار شدن
۲۸۸	۷-۵. بررسی ساختار پدیده‌ها در آگاهی
۲۸۹	۷-۶. تعلیق باورها
۲۸۹	۷-۷. تفسیر معانی پنهان
۲۹۰	خلاصه فصل
۲۹۳	پرسش‌هایی برای تفکر
۲۹۳	کتابنامه برای مطالعه بیشتر
۲۹۵	فصل ۸: تحلیل داده‌ها در پژوهش پدیدارشناسی تفسیری
۲۹۵	اهداف فصل
۲۹۵	مقدمه
۲۹۷	۱. تحلیل پدیدارشناختی تفسیری
۲۹۷	۱-۱. چگونگی تدوین پرسش‌های پژوهش در تحلیل پدیدارشناختی تفسیری
۲۹۷	۱-۲. رویکرد انتخاب مشارکت‌کنندگان برای مطالعه تحلیل پدیدارشناختی تفسیری
۳۰۰	۱-۳. گردآوری داده‌ها در تحلیل پدیدارشناختی تفسیری
۳۰۳	۱-۴. تحلیل داده‌ها در تحلیل پدیدارشناختی تفسیری
۳۰۶	۱-۴-۱. مرحله اول: مرحله آشنایی و غوطه‌ور شدن در داده‌ها
۳۰۸	۱-۴-۲. مرحله دوم: یادداشت برداری اولیه
۳۰۹	الف. نظرها و کامنت‌های زبانی
۳۱۰	ب. نظرها و کامنت‌های توصیفی
۳۱۱	پ. نظرها و کامنت‌های مفهومی
۳۱۲	ت. زمینه‌زدایی
۳۱۳	ث. مروری بر یادداشت‌های اولیه

- ۳-۴-۱. مرحله سوم: شناسایی مضامین در حال ظهور ۳۱۵
- ۴-۴-۱. مرحله چهارم: جست‌وجوی پیوندها در مضامین ظهوریافته و
خوشه‌بندی آنها ۳۱۷
- الف. انتزاع ۳۲۰
- ب. مشمول‌سازی ۳۲۰
- پ. قطبیت ۳۲۱
- ت. زمینه‌ای کردن ۳۲۱
- ث. شمارش ۳۲۲
- ج. کارکرد ۳۲۲
- چ. در کنار هم قرار دادن ۳۲۳
- ح. جدول مضامین برای هر مورد ۳۲۴
- ۵-۴-۱. مرحله پنجم: ادامه دادن (حرکت به مورد بعدی) ۳۲۵
- ۶-۴-۱. مرحله ششم: جست‌وجوی الگوها در درون موارد ۳۲۵
- ۷-۴-۱. عمیق‌تر شدن سطح تفسیر ۳۲۸
- ۱-۵. گزارش پژوهش ۳۳۲
- ۶-۱. مثالی از تحلیل پدیدارشناختی تفسیری برای تبیین مطالب ارائه‌شده ... ۳۳۳
۲. پدیدارشناسی هرمنوتیک ون‌مانن ۳۳۶
- ۱-۲. پدیدارشناسی عمل ون‌مانن ۳۳۷
- ۲-۲. رابطه نظریه و عمل ۳۳۹
- ۳-۲. مطالعه جوهر و ذات پدیده در دیدگاه ون‌مانن ۳۴۴
- ۴-۲. مضمون در پدیدارشناسی عمل ون‌مانن ۳۴۵
- ۵-۲. سه شکل دانش در پدیدارشناسی عمل ون‌مانن ۳۵۳
- ۶-۲. برداشت‌های غلط پژوهشگران از پدیدارشناسی از دیدگاه ون‌مانن ۳۵۴
- ۷-۲. گشودگی و حساسیت: کاهش علمی در رویکرد ون‌مانن ۳۵۷
- ۸-۲. وجودهای تجربه زیسته از دیدگاه ون‌مانن ۳۶۳
- ۹-۲. مراحل پدیدارشناسی هرمنوتیک از دیدگاه ون‌مانن ۳۶۵

۱-۹-۲. انتخاب موضوع پدیدارشناختی و تفکر کامل و عمیق درباره پدیده	۳۶۶
مورد مطالعه	۳۶۶
۲-۹-۲. تأکید زیاد بر تجربه زیسته و نه تنها بر مفهوم سازی آن	۳۶۶
۳-۹-۲. تأمل بر مضامین اساسی مشخص کننده پدیده	۳۶۶
۴-۹-۲. توصیف پدیده از طریق هنر نوشتن و بازنویسی	۳۶۷
۵-۹-۲. حفظ رابطه قوی با پدیده مورد مطالعه	۳۶۷
۶-۹-۲. ایجاد تعادل در زمینه تحقیق با در نظر گرفتن رابطه کل با اجزا ..	۳۶۸
خلاصه فصل	۳۶۸
پرسش هایی برای تفکر	۳۷۱
کتابنامه برای مطالعه بیشتر	۳۷۱
کتابنامه	۳۷۳
نمایه	۳۹۳

فهرست شکل ها

شکل شماره (۱): آگاهی معطوف به هدف	۴۶
شکل شماره (۲): وجه التفاتی	۴۸
شکل شماره (۳): مراحل فروکاست (تقلیل) پدیدارشناختی هوسرل	۵۶
شکل شماره (۴): دور یا حلقه هرمنوتیک	۶۴
شکل شماره (۵): تعامل بین درک و فهم و تفسیر از دیدگاه گادامر	۶۸
شکل شماره (۶): چهار وجودگرایی از دیدگاه مرلوپونتی	۷۸
شکل شماره (۷): بدن زنده و بدن زیسته	۸۲
شکل شماره (۸): عمل تجربه و هدف عمل	۱۳۸
شکل شماره (۹): ویژگی های عمل تجربه و هدف عمل	۱۴۳
شکل شماره (۱۰): هستی شناختی تحلیل پدیدارشناختی تفسیری و جایگاه آن بین رویکرد تجربی و ساختن گرایی اجتماعی	۱۵۲
شکل شماره (۱۱): پایه های نظری پدیدارشناختی تفسیری	۱۶۱
شکل شماره (۱۲): فرایند پژوهش پدیدارشناختی	۱۷۲
شکل شماره (۱۳): مقایسه نقش پژوهشگر در پدیدارشناسی توصیفی و تفسیری	۱۷۸

شکل شماره (۱۴): پرسش‌های مصاحبه عمیق.....	۱۹۲
شکل شماره (۱۵): گام‌های تحلیل داده‌ها در رویه موستاکس	۲۴۲
شکل شماره (۱۶): خلاصه تحلیل مضمونی.....	۲۴۷
شکل شماره (۱۷): روش چهارمرحله‌ای جیورجی در سال ۱۹۸۵ برای تحلیل داده‌های پدیدارشناختی در چهارچوب تجربی-پدیدارشناختی.....	۲۵۲
شکل شماره (۱۸): روندنمای فرایند تحلیل داده‌ها بر اساس دیدگاه جیورجی و همکاران.....	۲۵۳
شکل شماره (۱۹): مرحله اول تحلیل داده‌ها در روش جیورجی (مرحله آشنایی).....	۲۵۸
شکل شماره (۲۰): مرحله دوم تحلیل داده‌ها در روش جیورجی (تعیین واحدهای معنایی) ..	۲۶۴
شکل شماره (۲۱): مرحله سوم تحلیل داده‌ها در روش جیورجی (تبدیل واحدهای معنایی به زبان علمی).....	۲۷۱
شکل شماره (۲۲): مرحله چهارم تحلیل داده‌ها در روش جیورجی (تعیین ساختار یا ماهیت پدیده از طریق تحلیل ترکیبی).....	۲۸۰
شکل شماره (۲۳): مراحل تحلیل داده‌های پدیدارشناختی اشیپگیلرگ.....	۲۸۳
شکل شماره (۲۴): مراحل تحلیل پدیدارشناختی تفسیری از دیدگاه شاینبورن و اسمیت (۲۰۱۱).....	۳۰۶
شکل شماره (۲۵): رابطه نظریه و عمل در دیدگاه ون‌مانن.....	۳۴۴
شکل شماره (۲۶): مراحل پدیدارشناسی هرمنوتیک ون‌مانن.....	۳۶۵

فهرست جداول

جدول شماره (۱): تأکیدات پدیدارشناختی هوسرل.....	۵۶
جدول شماره (۲): تأکیدات پدیدارشناسی تفسیری هایدگر.....	۶۵
جدول شماره (۳): تأکیدات ساختن‌گرایی هرمنوتیک گادامر.....	۷۱
جدول شماره (۴): مقایسه پدیدارشناسی توصیفی و هرمنوتیک.....	۸۹
جدول شماره (۵): تفاوت بین فلسفه پدیدارشناختی توصیفی و پژوهش پدیدارشناختی توصیفی.....	۱۳۶
جدول شماره (۶): پایه‌های نظری تحلیل پدیدارشناختی تفسیری و تبیین چهارچوب معرفت‌شناختی و روش‌شناختی آن.....	۱۶۱
جدول شماره (۷): معیارهای ارزیابی پژوهش پدیدارشناختی.....	۱۹۸
جدول شماره (۸): مثال‌هایی از شناسایی جمله‌ها و عبارات مهم در مطالعه تجربه زیسته زنان مبتلا به بیماری ایسکمیک قلب.....	۲۳۰

جدول شماره (۹): نمونه‌هایی از معانی تدوین شده از جملات مهم	۲۳۲
جدول شماره (۱۰): گسترش خوشه‌ها از مضامین و مضامین از معانی تدوین شده (فرمول بندی شده).....	۲۳۳
جدول شماره (۱۱): نقشه مضمونی (مضامین و زیرمضامین)	۲۳۴
جدول شماره (۱۲): روش روان-پدیدارشناختی ونکام	۲۳۵
جدول شماره (۱۳): تعریف روش گردآوری داده‌های اصیل، سازنده و زبانی	۲۵۶
جدول شماره (۱۴): مثالی از تجربه مشارکت‌کننده در توصیف موقعیتی ساحل که از آن چیزی یادگرفته است	۲۵۹
جدول شماره (۱۵): نمونه‌ای از تجربه مشارکت‌کننده در توصیف موقعیت بازی با اسلحه که از آن چیزی یادگرفته است	۲۶۰
جدول شماره (۱۶): نمونه‌ای از گردآوری داده‌های اصیل، سازنده و زبانی	۲۶۵
جدول شماره (۱۷): نمونه‌ای از گردآوری داده‌های اصیل، سازنده و زبانی درباره بازی با تفنگ	۲۶۶
جدول شماره (۱۸): نمونه‌ای از رشد مضامین از معنای طبیعی	۲۷۴
جدول شماره (۱۹): تحلیل توصیفی پدیدارشناختی به روش جیورجی	۲۷۷
جدول شماره (۲۰): برنامه مصاحبه از طرح بررسی تجربه زنان در توانبخشی برای مشکلات اعتیاد.....	۳۰۲
جدول شماره (۲۱): تهیه برنامه مصاحبه برای مطالعه تحلیل پدیدارشناختی تفسیری ..	۳۰۳
جدول شماره (۲۲): مصاحبه: نظرهای اولیه (استخراج کردن).....	۳۱۴
جدول شماره (۲۳): ظهور مضامین گسترش یافته	۳۱۵
جدول شماره (۲۴): خوشه بندی اولیه مضامین	۳۱۸
جدول شماره (۲۵): مضامین برتر و مضامینی که از یک مشارکت‌کننده در طرح درد استخراج شده است.....	۳۲۴
جدول شماره (۲۶): مضامین اصلی	۳۲۶
جدول شماره (۲۷): گزارش روایتی (استخراج).....	۳۳۱
جدول شماره (۲۸): مثالی از تحلیل پدیدارشناسی تفسیری	۳۳۳

سخن ناشر



«لقد منّ الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولا من أنفسهم يتلوا عليهم آياته و يزيّهم و يعلمهم الكتاب و الحكمة و إن كانوا من قبل لفي ضلال مبين» (سوره آل عمران / آيه ۱۶۴).

حمد و ثنا خداوند بزرگ و ذات احدیت را که امتیاز و درجه عالمان و دانشمندان را در نزدیکی به جایگاه پر عظمت خویش قرار داد؛ همان که در این آیه شریف بر مؤمنان منت نهاد آنگاه که از نفس خودشان رسولی برانگیخت تا برای آنان آیات وحی بخواند و ایشان را بشارت و بیم دهد. به راستی مرتبت علم، دانش، فضل و معرفت در نزد خدا جایگاهی دارد که ذات احدیت به واسطه اعطای آن به آدمی بر بشریت منت نهاده است.

خداوند را شاکریم که در عصری که هنوز در برخی کشورهای جهان، زنان را واجد شرایط شرکت در محافل سیاسی، اجتماعی و علمی نمی دانند، خواهران گرامی ما در عرصه علم و تحقیق و پژوهش پیش می تازند و به جهت اراده استوار خویش، اندیشه ها را به تکاپو و قلم ها را به حرکت وامی دارند (رئیس محترم فقید دانشگاه امام صادق (علیه السلام) آیت الله مهدوی کنی).

این توفیق الهی است که یک مرکز داعیه دار علم و دانش بتواند در دستیابی به اهداف بلند خود، برنامه های خویش را بر مدار معرفت و دانایی قرار دهد؛ زیرا علم و معرفت از چنان قدر و منزلت و عظمتی برخوردار است که باید گام نهادن

در مسیر آن را از الطاف الهی دانست. دانشگاه امام صادق (علیه السلام) - پردیس خواهران در طی سالیان گذشته افتخار این را داشته است که در این راستا هر چند مختصر و کوتاه گام‌هایی برداشته و افق بلندی را در چشم‌انداز علمی خود پیش رو دارد که البته برخی فعالیت‌ها به صورت راهبردی یعنی درازمدت و برخی فعالیت‌ها به صورت میان‌مدت و کوتاه‌مدت بوده است. از جمله فعالیت‌های این مرکز در بخش‌های علمی و آموزشی و پژوهشی، به انجام رسانیدن برخی طرح‌ها، پژوهش‌ها و انتشار آن در قالب کتاب می‌باشد که اهداف متعالی دانشگاه را در دستیابی به رویکردهای تعیین شده به پیش خواهد برد. در این راستا الگوی اسلامی ایرانی رشد و تعالی و پیشرفت در مسیر اهداف متعالی و بلند نظام جمهوری اسلامی، از رویکردهای نوینی است که در دستیابی به فعالیت‌های برنامه‌ای مورد توجه واقع می‌شود.

معاونت پژوهشی از زمان تشکیل تاکنون به این مهم توجه داشته و برنامه‌ها و فعالیت‌هایی را به انجام رسانیده است. این معاونت تلاش دارد با عمق بخشیدن به این فعالیت‌ها و تهیه و تنظیم برنامه‌های راهبردی در راستای محقق نمودن پژوهش‌هایی علمی، راهبردی و کاربردی دانشگاه گام‌هایی را بردارد و مطابق با ساختار علمی دانشگاه به عنوان سازمانی دانش‌بنیان، برنامه‌محور، توسعه‌گرا و تحول‌مدار برای پاسخگویی به نیازهای رو به رشد جامعه فراگیران خود، تلاش دارد با نیازسنجی و پاسخگویی به مطالبات به پژوهش‌های علمی خود به ویژه در شاخه‌های مطالعات زنان با گرایش‌های نسل جوان پاسخ دهد. خوشبختانه این فعالیت مورد استقبال اساتید، دانش‌جویان و برخی محیط‌های علمی در استفاده و بهره‌برداری از برخی کتب چاپ شده بوده است. از کلیه کسانی که ما را در این مسیر یاری نموده‌اند تشکر و تقدیر نموده و از همه محققان و فرهیختگان گرامی جهت همکاری در امور علمی پژوهشی دعوت می‌نماییم.

معاونت پژوهشی - اداره کل پژوهش - حوزه معاونت پژوهشی و فناوری

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) پردیس خواهران

پیشگفتار



پدیدارشناسی به عنوان یک رویکرد پژوهش کیفی در نظر گرفته می شود که جوهر یک پدیده را از چشم انداز افرادی که آن را تجربه کرده اند، بررسی می کند و به توصیف آگاهی و تجربه یک یا چند فرد از یک پدیده می پردازد (Teherani et al., 2015). پدیدارشناسی رویکردی با ارزش برای تحقیق است و در حوزه های مختلف علوم انسانی و به طور خاص در تحقیقات روان شناسی و مشاوره جایگاه مهمی دارد؛ برای مثال، شما ممکن است علاقه مند باشید که بدانید برنده شدن در مسابقه از دیدگاه فوتبالیست ها چه معنایی دارد؟ از دیدگاه یک سالمند، زندگی در خانه سالمندان چگونه معنا می شود؟ معنای تجربه تدریس از دیدگاه معلمان تازه کار چیست؟ تجربه عضویت در گروه چگونه معنا می شود؟ چگونه افراد تجربه مرگ یک عزیز را توصیف می کنند؟ مشاور موفق بودن به چه معناست؟ تجربه شکست تحصیلی از دیدگاه دانش آموزان چه معنایی دارد؟ چگونه روان شناسان با تجربه یاد می گیرند که از استدلال های علمی خود در فعالیت های حرفه ای شان استفاده کنند؟ افراد سوگوار چگونه معنای تجربه سوگ را توصیف می کنند؟ برای پاسخ به این پرسش ها نیاز به تجربه بی واسطه و دست اول مشارکت کنندگان داریم.

دستیابی به این تجربه مستلزم این است که از مشارکت‌کنندگان بخواهیم که تجربه شخصی خود را از موقعیت توصیف کرده و تمام توجه خود را صرف این کار کنند.

پدیدارشناسی به عنوان رویکرد کلی و درک و فهم چندگانه از واقعیتی واحد، در گذشته نیز وجود داشته است؛ برای مثال، پدیدارشناسی در ادبیات و داستان‌های ایرانی خود را می‌نمایاند. داستان تمثیلی «پیل اندر خانه تاریک» در مثنوی مولوی نمونه‌ای از فهم پدیدارشناسانه است که در آن شناسندگان از واقعیت یگانه نهفته در تاریکی، توصیف‌های چندگانه‌ای ارائه می‌دهند (سام‌خانینی، ۱۳۹۲: الف).

از نظرگه گفتشان شد مختلف آن یکی دالش لقب داد این الف

(مولوی، ۱۳۸۷: ۳۱۴)

شعر سهراب سپهری نیز به وضوح فهم پدیدارشناسانه را بیان می‌کند. «باید کتاب را بست / باید بلند شد / در امتداد وقت قدم زد / گل را نگاه کرد / ابهام را شنید / باید دوید تا ته بودن / باید به بوی خاک فنا رفت / باید به ملتقای درخت و خدا رسید / باید نشست نزدیک انبساط / جایی میان بی‌خودی و کشف» (سپهری، ۱۳۸۹: ۲۶۵).

سپهری با نگاه اصیل پدیدارشناسی می‌گوید: «من نمی‌دانم که چرا می‌گویند اسب حیوان نجیبی است / کبوتر زیباست و چرا در قفس هیچ‌کسی کرکس نیست / گل شبدر چه کم از لاله قرمز دارد / چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید / واژه‌ها را باید شست / واژه باید خود باد، واژه باید خود باران باشد / چترها را باید بست / زیر باران باید رفت / فکر را، خاطره را زیر باران باید برد / با همه مردم شهر زیر باران باید رفت / عشق را زیر باران باید جست» (سپهری، ۱۳۸۹: ۱۸۴). پدیدارشناسی به رویکردی اشاره دارد که از فلسفه پدیدارشناختی توصیفی، هرمنوتیکی و وجودی نشئت گرفته است.

سبک‌های پدیدارشناختی فلسفی زیادی وجود دارند مانند فلسفه پدیدارشناختی توصیفی ادموند هوسرل^۱ (۱۸۵۹-۱۹۳۸)، فلسفه پدیدارشناختی تفسیری^۲ مارتین هایدگر^۳ (۱۸۸۹-۱۹۷۶)، پدیدارشناسی ادراک^۴ موریس مرلوپونتی^۵ (۱۹۰۸-۱۹۶۱)، فلسفه پدیدارشناختی ساختن‌گرایی هرمنوتیکی^۶ هانس گئورگ گادامر^۷ (۱۹۰۰-۲۰۰۲)، فلسفه پدیدارشناختی پل ریکور^۸ (۱۹۱۳-۲۰۰۵) و دیگران که بر روان‌شناسی و مشاوره اثر گذاشته‌اند (Dowling, 2007).

گسترش پدیدارشناسی توصیفی و تفسیری مرهون تلاش‌های علمی افراد مختلف است؛ پل فرانسیس کلایزی^۹، کلارک موستاکس^{۱۰} (۲۰۱۲-۱۹۲۳)، ساندلر^{۱۱} و دیگران (۲۰۱۹)، آمدئو جیورجی و دیگران^{۱۲}، آدریان ون کام^{۱۳} (۲۰۰۷-۱۹۲۰)، هربرت اشپیگلبرگ^{۱۴} (۱۹۸۲) و دیگر پدیدارپژوهان نقش مهمی در گسترش «پدیدارشناسی توصیفی» ایفا کرده‌اند. گسترش «پدیدارشناسی تفسیری» نیز مرهون تلاش‌های علمی مکس ون مانن^{۱۵} و جاناتان اسمیت^{۱۶} و همکارانش است که الگوهای پدیدارشناسی تفسیری کاربردی را برای تحلیل داده‌های پژوهش پدیدارشناختی معرفی کرده‌اند. امروزه شاهد تمایل روزافزون استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی برای پژوهش‌های پدیدارشناختی در رشته‌های مختلف علوم انسانی هستیم.

-
1. Edmund Husserl
 2. interpretive phenomenology
 3. Martin Heidegger
 4. phenomenology of perception
 5. Maurice Merleau Ponty
 6. hermeneutic constructivism
 7. Hans-Georg Gadamer
 8. Paul Ricoeur
 9. Paul Francis Collaizi
 10. Clark Moustakas
 11. Sundler et al.
 12. Amedeo Giorgi
 13. Adrian Van Kaam
 14. Herbert Spiegelberg
 15. Max van Manen
 16. Jonathan Smith

به رغم استقبال استادان و دانشجویان از این روش، منبع تخصصی مناسبی در این باره برای علاقه‌مندان وجود ندارد. فقدان منبع مناسب در حوزه پژوهش پدیدارشناختی، این انگیزه را در من به وجود آورد که یک راهنمای نظری و عملی برای علاقه‌مندان به پژوهش پدیدارشناختی به‌ویژه دانشجویان رشته‌های مشاوره و روان‌شناسی تدوین کنم تا راهگشای آنان در انجام دادن این پژوهش باشد. روش پژوهش پدیدارشناختی با فلسفه عجین است و بدون درک مبانی فلسفی آن نمی‌توان به عنوان روش پژوهش، استفاده درستی از آن کرد؛ بنابراین، ضرورت دارد که افراد علاقه‌مند به پژوهش پدیدارشناختی، با مفاهیم فلسفی پدیدارشناختی و تفسیرهای فلسفی از تجربه بشری آشنا شوند. من در این کتاب نخست به ریشه‌ها و رویکردهای فلسفی این روش و سپس رویه‌های پژوهش پدیدارشناختی و فرایند اجرای آن پرداخته‌ام.

این کتاب مشتمل بر ۳ بخش و ۸ فصل است. بخش ۱ با عنوان «فلسفه پدیدارشناختی و ورود آن به مشاوره و روان‌شناسی» دربرگیرنده ۲ فصل است؛ در فصل ۱ با عنوان «فلسفه پدیدارشناختی»، فلسفه پدیدارشناختی استعلایی/توصیفی^۱ هوسرل، پدیدارشناسی تفسیری مارتین هایدگر و هانس گئورگ گادامر و پدیدارشناسی ادراک موریس مرلوپونتی بررسی شده است. همچنین، در این فصل، فلسفه پدیدارشناختی توصیفی و تفسیری به تفصیل مقایسه شده‌اند.

بخشی از پیشرفت روان‌شناسی و مشاوره مرهون به کارگیری پدیدارشناسی از سوی نظریه‌پردازان مختلف است؛ ازاین‌رو در فصل ۲ با عنوان «پدیدارشناسی در روان‌شناسی و مشاوره»، تاریخچه مختصری از کاربرد پدیدارشناسی در برخی از گرایش‌های روان‌شناسی و مشاوره بررسی شده است. بخش ۲ با عنوان «کاربرد پدیدارشناسی توصیفی و تفسیری» مشتمل بر ۲

1. transcendental/descriptive

فصل است. در فصل ۳ با عنوان «از فلسفه پدیدارشناختی توصیفی تا پژوهش پدیدارشناختی توصیفی»، چگونگی ورود فلسفه پدیدارشناختی هوسرل به پژوهش پدیدارشناختی توصیفی مورد بحث قرار گرفته است و بر کاربرد مفاهیم پدیدارشناختی فلسفی در پژوهش پدیدارشناختی تأکید شده است.

در فصل ۴ با عنوان «از فلسفه پدیدارشناختی تفسیری تا پژوهش پدیدارشناختی تفسیری»، چهارچوب هستی‌شناختی پدیدارشناختی تفسیری و تاریخچه ورود آن به پژوهش‌های روان‌شناختی و مشاوره بحث شده است. در این فصل ضمن اشاره به پایه‌های نظری تحلیل پدیدارشناختی تفسیری با توجه به سه حوزه پدیدارشناسی، هرمنوتیک و فردگرایی، در مورد اصول روش‌شناسی پژوهش پدیدارشناختی تفسیری نیز بحث شده است.

عنوان بخش ۳، «هدایت پژوهش پدیدارشناختی» است. در این بخش، برای کمک به پژوهشگران تازه‌کار، رویه‌های پژوهش پدیدارشناختی در ۴ فصل جداگانه بررسی شده است تا پژوهشگران بتوانند خود را از سردرگمی در فرایند هدایت پژوهش پدیدارشناختی برهانند.

در فصل ۵ با عنوان «روش شناختی پژوهش پدیدارشناختی»، نخست اصول کلی روش شناختی در هدایت پژوهش پدیدارشناختی بررسی شده است. سپس اهمیت پژوهش پدیدارشناختی با تأکید بر تجربه مشترک افراد و امکان استفاده از تجارب دیگران در پژوهش پدیدارشناختی آشکار شده است. در این فصل، بر اهمیت تعامل پژوهشگر و مشارکت‌کننده در پژوهش پدیدارشناختی و نقش مشارکت‌کننده به عنوان همکار پژوهشگر تأکید شده است. همچنین، در این فصل، رویه‌های پژوهش پدیدارشناختی در روان‌شناسی و مشاوره، شامل چگونگی تدوین اهداف و پرسش‌های پژوهش، ادبیات پژوهش، انتخاب مشارکت‌کنندگان و انتخاب ابزار مناسب برای گردآوری داده‌ها بررسی شده است. در پایان این فصل با توجه به اهمیت

قانع‌سازی مخاطبان علمی درباره صحت یافته‌های به دست آمده از پژوهش پدیدارشناختی، بر اهمیت روایی در پژوهش پدیدارشناختی و چگونگی تحقق آن تأکید شده است.

در فصل ۶ با عنوان «ملاحظات اخلاقی در پژوهش پدیدارشناختی»، ابتدا موضوعات اخلاقی که در پژوهش‌های کیفی به کار می‌روند شامل رضایت آگاهانه و مشارکت داوطلبانه، رعایت بی‌نامی و محفوظ نگه داشتن هویت مشارکت‌کنندگان، پیامدهای مشارکت در پژوهش، تعهدات پژوهشگر و دریافت کد یا تأییدیه اخلاقی بررسی و سپس به طور خاص موضوعات اخلاقی در پژوهش پدیدارشناختی بررسی شده است.

در فصل ۷ با عنوان «تحلیل داده‌ها در پژوهش پدیدارشناختی توصیفی»، رویه‌های تحلیل داده‌ها در پدیدارشناسی توصیفی بر اساس دیدگاه کلازی، ون‌کام، موستاکس، ساندلر و همکاران، جیورجی و اشپیگلبرگ بررسی شده است. در تمام روش‌های پدیدارشناختی توصیف شده در این فصل، اشتراکاتی مانند کنار گذاشتن مفروضه‌های پیشین، توصیف‌های اساسی داده‌ها و تقسیم متن به بخش‌های مختلف و معنا دادن به آن‌ها در قالب مفاهیم پدیدارشناختی و خلق ساختار اساسی و ذات پدیده مورد مطالعه وجود دارد.

در فصل ۸ با عنوان «تحلیل داده‌ها در پژوهش پدیدارشناختی تفسیری»، نخست روش پیشنهادی اسمیت یعنی تحلیل پدیدارشناختی تفسیری^۱ بررسی و سپس مراحل تحلیل داده‌ها از رویکرد مکس ون‌مانن برای دستیابی به ذات و جوهر پدیده، با تأکید بر گشودگی و حساسیت پژوهشگر، به صورت کاربردی معرفی شده است.

از آنجا که این کتاب، نخستین کتابی است که به زبان فارسی در حوزه

پژوهش پدیدارشناختی در مشاوره و روان‌شناسی تألیف شده، امید است مجموعه مطالب فراهم‌آمده برای استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در رشته‌های روان‌شناسی، مشاوره و دیگر رشته‌های علوم انسانی مانند مدیریت، جامعه‌شناسی و... کاربرد داشته باشد. من در این کتاب کوشیده‌ام مطالب را با بیانی رسا و واضح در اختیار خوانندگان قرار دهم؛ اما نگاه نقادانه خوانندگان و دقت نظر آنان ممکن است ابهاماتی را مشخص سازد که از چشم من دور مانده است. مزید امتنان خواهد بود که استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی با ارائه نظرهای سازنده خود موجبات بهبود این اثر را فراهم آورند. از آقای دکتر مهدی زارع بهرام‌آبادی، رئیس محترم کارگروه مشاوره و ارتقای علوم انسانی به دلیل تأیید نوآوری این اثر در حوزه علوم انسانی، همکار گرامی آقای دکتر محمد آزاد عبدالله‌پور به دلیل بازخوانی کتاب و ارائه نظرهای اصلاحی سازنده، و از آقایان دکتر فریبرز باقری، دکتر سعید بهشتی و دکتر ابوطالب سعادت‌شامیر به دلیل ارائه نقدهای سازنده‌شان صمیمانه تشکر می‌کنم. در پایان از مساعدت رئیس محترم پردیس خواهران دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و همچنین پیگیری‌ها و تلاش‌های مستمر معاون محترم پژوهش و فناوری و همکاران ایشان برای چاپ این اثر قدردانی می‌کنم.

دکتر خدیجه ابوالمعالی الحسینی

استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

همکار علمی دانشگاه امام صادق (ع)، تابستان ۱۴۰۲

بخش اول:

فلسفه پدیدارشناختی و ورود آن به روان‌شناسی و مشاوره



مقدمه

اساس پدیدارشناسی، رویکردی ناب و تازه به پدیده‌ها و دست یافتن به ذات و خود چیزهاست. پدیدارشناس با نگاهی پدیداری و شهودی به پدیده‌ها، به درکی نو از آن‌ها دست می‌یابد (کنعانی، ۱۳۹۳). در فرهنگ فارسی دهخدا، «پدیدار به معنای آن چیزی است که پیدا، آشکار، مشهود و هویداست و مصدر آن، «پدیدار شدن»، به معنای ظاهر و هویدا شدن، و جلوه کردن و تجلی کردن است» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵۴۴۰). در زبان انگلیسی لغت پدیده^۱ برگرفته از کلمه یونانی «Phaenesthai» به معنای پدیدار یا چیزی است که خود را می‌نمایاند یا نشان می‌دهد و در آگاهی ظاهر می‌شود (Moustakas, 1994). ما در پدیدارشناسی به دنبال آشکار ساختن ذات و ماهیت پدیده‌ها در آگاهی هستیم. اصطلاح پدیدارشناسی از اصطلاحات تخصصی است که ابتدا در متون فلسفی قرن ۱۹، توسط ایمانوئل کانت^۲ (۱۷۲۴-۱۸۰۴) و سپس توسط جورج ویلهلم فردریش هگل^۳ (۱۷۷۰-۱۸۳۱) به کار گرفته شد (Polkinghorne, 1983; Moran, 2000).

1. phenomenon
2. Immanuel Kant
3. Georg Wilhelm Friedrich Hegel

از نظر کانت، عالم واقع به دو بخش «غیرقابل ادراک» و «قابل ادراک» تقسیم می‌شود: الف. بخش غیرقابل ادراک: کانت بخش غیرقابل ادراک را «بود»، «نومن»^۱، «شیء فی نفسه»^۲ و «واقع»^۳ می‌نامد که خارج از تحریکات جهان تجربی و کاملاً عقلانی است و ماهیت آن تنها با عقل درک می‌شود و ادراکی مستقل از تحریکات جهان تجربی در ذهن است. نومن به‌گونه مستقل و آن‌گونه که هست و به‌صورت ایده شکل می‌گیرد. ب. بخش قابل ادراک: کانت بخش دوم عالم واقع را ادراکی متأثر از تحریکات جهان تجربی خارج از وجود انسان می‌داند و آن را «پدیدار»، «ظاهر (نمود)»، «شیء نزد ما» (نمودار شدن شیء نزد ما) می‌نامد که به آن چیزی اشاره دارد که ما آن ادراک می‌کنیم و واقعیتی است که بر ما نمودار می‌شود (پدیدار = نمود). در فلسفه نظری کانت، آنچه در ذهن به امر غیر محسوس اطلاق می‌شود، فاقد حقیقت است و اساساً هیچ مقوله‌ای بدون محتوای حسی اعتبار ندارد و شناخت «بود» (شیء فی نفسه) برای فهم آدمی امکان‌پذیر نیست بلکه تنها جهانی درک می‌شود که تجربی و محسوس است (نصیری، ۱۳۸۷)؛ بنابراین، کانت شناخت علمی را محدود به قلمرو پدیدارها می‌داند و جست‌وجوی ذات معقول را از طریق علم، ناروا و بیهوده می‌شمارد (دهباشی، ۱۳۷۳) درحالی‌که از دید هوسرل چنین تمایز قاطعی بین عین و ذهن وجود ندارد (Polkinghorne, 1983)؛ به عبارت دیگر، میان عین و ذهن هیچ فاصله‌ای نیست که بتوانیم آن‌ها را از هم جدا کنیم. هر پدیده‌ای که ما از آن آگاهی می‌یابیم، دو جزء جدانشدنی دارد که یکی عینی (آن چیزی که درباره آن می‌اندیشیم) و دیگری ذهنی است (فعالیت اندیشه) و پدیدارشناسی به معنای مطالعه این پدیدارهاست (به فصل ۳، بند ۲-۲ نگاه کنید).

1. noumen
2. thing In itself
3. reality

پدیدارشناسی بیشتر با نام هوسرل شناخته می‌شود. هگل در اثر خود با عنوان پدیدارشناسی روح^۱، از اصطلاح پدیدارشناسی استفاده کرد؛ اما کسی که الهام بخش هوسرل در استفاده از اصطلاح پدیدارشناسی بود نه کانت است و نه هگل بلکه فرانس برنتانو^۲ بود (Moran, 2000). برنتانو (۱۸۳۸-۱۹۱۷) عبارت پدیدارشناسی روان‌شناسی توصیفی را به کار برد. او مهم‌ترین انگیزه فکری را برای توسعه پدیدارشناسی توصیفی/استعلایی^۳/تجربی در هوسرل ایجاد کرد. هوسرل وجه التفاتی^۴ (نیت‌مندی) برنتانو را به عنوان مبنایی برای درک و طبقه‌بندی اعمال آگاهانه و شیوه‌های ذهنی تجربه پذیرفت (Moustakas, 1994) (به فصل ۱، بند ۵-۱ همین نگاه کنید).

«برنتانو معتقد بود که ذهن چیزی نیست که بتواند از بیرون و به شیوه آزمایش علمی مشاهده شود. در عوض، فرد باید در جریان زندگی روزمره خود از تجربه پدیداری^۵ خود آگاه شود» (گاردنر، به نقل از: هالینگزورث، ۱۳۹۸: ۱۹). پدیدارشناسی در پی این است که با تفکیک آگاهی باواسطه و بی‌واسطه از یکدیگر، آگاهی انسان را از پدیدارهای ذهنی که بی‌واسطه در ذهن او ظاهر می‌شوند و ممکن است حتی عینیتی هم نداشته باشند، مطالعه کند. در نظر هوسرل، موضوع فلسفه همین موضوعات مورد آگاهی است؛ یعنی هرآنچه تجربه می‌کنیم، اعم از اینکه آن چیزها وجود داشته باشند یا نداشته باشند (رشیدیان، ۱۳۸۴).

در پدیدارشناسی، آگاهی و خودآگاهی انسان به عنوان مقدمه‌ای برای فلسفه یا بخشی از فلسفه مطالعه می‌شود (اردبیلی، ۱۳۹۱). هگل

1. Phenomenology of Spirit

2. Franz Brentano

۳. پدیدارشناسی استعلایی مبتنی بر این مفهوم است که دیدن پدیده‌ها با عینک شفاف مستلزم کنارگذاشتن تمام ایده‌های از پیش تصور شده (اپوخه) است. در این صورت معنای پدیده‌ها به‌طور طبیعی همراه و درون هویت خودشان ظهور می‌یابد.

4. intentionality

5. phenomenal experience

پدیدارشناسی را به عنوان دانش آگاهانه‌ای توصیف می‌کند که با گفتن آنچه درک و احساس می‌شود، مرتبط است و از تجربه شخص شناخته می‌شود. موستاکس پدیدارشناسی را آن چیزی می‌داند که در آگاهی ظاهر می‌شود (Moustakas, 1994).

پدیدارشناسی هم به روش فلسفی اشاره می‌کند و هم به عنوان روش تحقیق کیفی به کار می‌رود. پژوهش پدیدارشناختی در روان‌شناسی و مشاوره این امکان را برای ما فراهم می‌کند که تجارب مشترک افرادی را که پدیده مشترکی را تجربه کرده‌اند، بررسی کنیم.

روش تحقیق پدیدارشناختی با فلسفه گره خورده است و بدون درک مبناهای فلسفی آن نمی‌توان از آن به عنوان روش پژوهش استفاده درستی کرد (پروری، ۱۳۹۸). پدیدارشناسی به عنوان چشم‌انداز فلسفی، پدیده‌هایی از تجربه انسان را که پیش‌تر نادیده گرفته شده بود، آشکار می‌سازد (Wojnar & Swanson, 2007) و پلی میان روان‌شناسی و فلسفه ایجاد می‌کند و در فرایندی پژوهشی، از طریق شفاف‌سازی شهودی، تحلیل تأملی^۱ و توصیف کامل محتوای ارائه شده در آگاهی، ما را به سمت مفاهیم علمی دقیق و مناسب سوق می‌دهد. پدیدارشناسی از فلسفه‌های مختلفی شامل استعلایی، وجودگرایی^۲ (به فصل ۱، بند ۱-۴ نگاه کنید) و هرمنوتیکی^۳

1. reflective analysis

2. existentialism

«فلاسفه وجودی بر این باورند که انسان ماهیت از پیش تعیین شده‌ای ندارد. وی همیشه در حال انتخاب امکان‌هایی است که پیش روی او هستند. با این انتخاب‌هاست که ماهیت خویش را می‌سازد؛ درحقیقت، در این فلسفه، انسان موجودی نامتعیین و سیال، بدون تعریفی متعین و از پیش تعیین شده است» (خطاط و امن‌خانی، ۱۳۸۷: ۵۴).

3. hermenutic

هرمنوتیک در معنای اصلی‌اش (یونانی) به هنر ترجمه و ایجاد رویکرد نسبت به متن‌ها و توصیفات معینی از زندگی انسان اشاره می‌کند که هدف آن، فهم و تفسیر متون است (به همان صورتی که خالق متن، آن را درک کرده است). نقطه مرکزی این رویکرد، فهم ساختار ذهنی یعنی فهمیدن است

تشکیل شده است (Cilesiz, 2011)؛ درحالی‌که فلسفه استعلایی اغلب به توانایی بیرون رفتن از تجربه اطلاق می‌شود، گویی ما در خارج از خودمان ایستاده‌ایم تا جهان را از بالا مشاهده کنیم. فلسفه وجودی بیان‌کننده نیاز به تمرکز بر تجربه زیسته ماست و بر تفسیر تأکید دارد و مخالف توصیف صرف است (Yüksel & Yıldırım, 2015).

با توجه به اهمیت آشنایی با فلسفه پدیدارشناختی برای پدیدارپژوهان، در این کتاب در فصل ۱، فلسفه پدیدارشناختی استعلایی هوسرل، فلسفه پدیدارشناختی تفسیری هایدگر و گادامر و سپس پدیدارشناسی ادراک موریس مرلوپوتتی مورد بحث قرار گرفته است؛ و در فصل ۲، برای ایجاد ارتباط بین فلسفه و پژوهش پدیدارشناختی، کاربرد پدیدارشناسی در مشاوره و روان‌شناسی بررسی شده است.

و معنی جامعه‌شناختی اصلی آن از کار ماکس وبر ناشی می‌شود. ماکس وبر و پیروانش عقیده فهمیدن متون و فهمیدن زندگی اجتماعی و مردم را به تدریج گسترش دادند. فهم ساختار ذهنی می‌تواند به منزله درک ساختار روان‌شناختی (به ویژه با در نظر گرفتن فهم همدلانه)، فهم ساختار ذهنی معنا و فهم متن باشد. این درک و فهم، فرد را به معنی واقعی متن نزدیک می‌کند و ساختارهای ذهنی بالاتر را شکل می‌دهد. در متن هرمنوتیک، درک و فهم فرایند (با تأکید بر معنا) خیلی پیچیده و ثابت شده که برای علوم اجتماعی تفسیری و برای روش‌شناسی کیفی خیلی مفید است (نیومن، ۲۰۰۰؛ مریام، ۲۰۰۲؛ کورسینی، ۲۰۰۲، به نقل از: ابوالمعالی، ۱۳۹۱: ۳۴-۳۵).